

آفتاب یزد – رضا بردستانی: آقا معلم یک روز بعد از پایان لیگ برتر شانزدهم به همراه دوستانش راهی یزد است، پروازهای همیشه تأخیر دار کمک می‌کند که با هر مشقتی هست به پرواز برسیم! دیند مجید جلالی بین مسافرانی که راهی یزد هستند حساسی خوشحالمان می‌کند باو سلام و احوالپرسی مختصری و دعوت به یک گفت‌وگو… ساده و صمیمی می‌پذیرد و شماره تلفن رد و بدل می‌شود تا دو روز بعد که رو در روی هم نستسیم تا بی آن که به حاشیه‌ها بپردازیم دو ساعت از زوایایی دیگر به فوتبال ایران و جهان بنگریم. او را در همان یکی دو ساعتی که به گپ و گفت گذشت، انسانی دقیق، حساس، اهل پژوهش، دلسوز، مهربان، خانواده دوست، فراری از حواشی، آرام و

دیند مجید در مراسم تقدیر

مربی به این جمع‌بندی می‌رسد که صلاح تیم چیست و چگونه می‌تواند مسیبر موفقیت خود را ادامه دهد و همچنین، چگونگی تصمیم‌گیری با چالش‌هایی که هر روز تیم با آن‌ها روبه‌رو است باید تصمیم‌هایی بگیرد و باید روی این تصمیم‌ها محکم بایستد. همه مربی‌ها باید این گونه رفتار کنند.اما ممکن است مربی برای رفع یک چالش با چالشی بزرگ‌تر روبه‌رو شود، به عنوان نمونه مربی قصد می‌کند بازیکنی که به تیم آسیب می‌رساند را کنار بگذارد، اما یا هجمله‌هایی از سوی رسانه‌ها و هواداران روبه‌رو می‌شود. به این ترتیب موضوع او در تیم ضعیف و کار او سخت می‌شود.

۹۱. جذابیت فوتبال به گل زدن و گل خوردن است. با بررسی جدول سه سال لیگ ایران، به فقر گل می‌رسیم. به عنوان مثال پرسپولیس در طول ۳۰ هفته، ۴۶ گل زده، در فصل قبل، استقلال خوزستان با ۳۳ گل زده و دو فصل قبل، سپاهان با ۴۶ گل زده، قهرمان شده‌اند. این مسئله نشان‌دهنده چیست؟

در واقع تعداد گل‌ها کم بوده، از نظر من هم فقر گل مورد تأیید است، زیرا روند فنی که لیگ ما در طی سال‌ها به خود گرفته به دلیل دیدگاه حاکم بر لیگ و مربیان است. اساس این دیدگاه برنده شدن نیست بلکه ناختن است. مهم تعداد گل‌های زده نیست، بلکه مهم این است که تیم گل نخورد، در مجموع تیم‌هایی که سخت گل می‌خورند، قهرمان می‌شوند.

۹۲. در تأیید گفته‌های شما باید اضافه کرد وقتی به سه فصل گذشته نگاه می‌کنیم، هر سه تیم پرسپولیس، استقلال خوزستان و سپاهان، کمترین میزان گل خوردن را داشتند.

بزه این امر تبدیل به شاخصه‌ای شده است که هر چه گل کمتر خورده شود، موفقیت تیم در جدول بهتر خواهد شد. بنابراین تیم‌ها روی این شاخصه بیشتر کار می‌کنند. حتی تیم ملی نیز به این سمت آمده است. شاید به لحاظ این خصلت‌ها که فوتبال ما پیدا کرده است، نمی‌توانیم در لیگ قهرمانان آسیا توفیق زیادی داشته باشیم، زیرا این شاخصه فقط می‌تواند به ما کمک

همیشه تحلیل خوب، حاصل یک تحقیق خوب است. در این جا سوآلی مطرح می‌شود که آیا در حوزه فوتبال بر روی فعالیت‌های تحقیقاتی سرمایه‌گذاری می‌شود؟ ایسن کار نیاز سه یک گروه متخصص دارد و با نبود این گروه، تحلیل‌ها سطحی است. شاید برنامه‌های تلویزیونی بودجه‌ای برای کار تحقیقی ندارند. البته این برنامه‌ها بیشتر به دنبال مخاطب عام هستند.

۹۳. در بدنه فدراسیون فوتبال نیز کارهای تحقیقاتی و آکادمیک صورت نمی‌گیرد؟

خیر، کار تحقیقی و آمارای انجام نمی‌شود. باید در بدنه فدراسیون یک ستاد یا بخشی ایجاد شود تا با پایان هر

لیگ روی جنبه‌های مختلف، کارهای تحقیقاتی انجام دهد. سپس برآیند آن راه مردم، جامعه و مربیان اعلام کند و مطمئناً این حرکت باعث پیشرفت فوتبال ما خواهد شد.

۹۴. شما از معدود مربیان فوتبال اهل مطالعه هستید. فکر گل را قبول کردید، به نظر شما این مسئله به چه عاملی بر می‌گردد؟ تیم‌ها ما هر سال، قهرمانتر می‌شوند و تهاجمی عمل نمی‌کنند، برای این مسئله پایانی وجود دارد؟

فقر گل در فوتبال حرفه‌ای ما بحث کاملاً تخصصی است، اما می‌توانم به طور کلی سه دلیل عمده برای آن بیان کنم. دلیل اول، دیدگاه صرفاً نتیجه‌گرایی است که در این بخش‌ها عقب هستیم. باید روی این موضوعات کارهای تحقیقی انجام شود و از گان‌هایی که متولی فوتبال و آموزش مربیان است در این زمینه‌ها بیشتر کار کنند تا بتوانند دیدگاه‌های بهتری به تیم‌ها و مربیان بدهند. با این روند، تیم‌ها به جلو حرکت می‌کنند، اما نباید فراموش کنیم سال‌ها است در لیگ قهرمانان مقامی نداریم، حدود ۴۰ سنسال است تیم امید ما به المپیک نرفته و تیم ملی نیز حدود ۴۰ سال است در آسیا قهرمان نشده است. همه این موارد می‌تواند دلایل

۹۵. فکر گل چه بلایی به سر تیم ملی ما خواهد آورد؟

تیم ملی مانند ویتربن فوتبال یک کشور است. تیم ملی ما نیز برآیند فوتبال ما است و به لحاظ انتظاری که جامعه از آن دارد این توقعات را انجام می‌دهد. مردم نیز به خاطر نوع دیدگاهی که دارند از این بابت خوشحال هستند

۹۶. آیا نتیجه‌گر ا بودن باعث نمی‌شود کشورهایی که با ما طرف هستند بر روی این امر مطالعه کنند و راه برتری و نتیجه‌گیری‌های آسان را بر تیم ما ببینند؟

قطعا همین طور است. بر اساس دیدگاه فیفا و مراجع آموزشی آن، دو نوع نتیجه در فوتبال وجود دارد. اول نتایج زودگذر خوشحال‌کننده است که ما به دست می‌آوریم و با آن ششاد هستیم. به آن عنوان گلخاندای دامادند. دوم نتایج پایتاب است که زمینه‌ر ابرای آینده‌ای بزرگ ایجاد می‌کند. این نتایج چیزی است که برای رسیدن به آن باید سال‌ها در بخش‌ها و با پارامترهای مختلف برنامه‌ریزی کرد. باید در حوزه علمی‌روی‌مربیان کار کرد و آن‌ها را از تقا، د، همچنین در حوزه علم تمرین باید پیشرفت کرد. از نظر امکانات و تیم‌های پایه نیز باید به جلو حرکت کرد. به این نتیجه، ریل‌گذاری می‌گویند. زمانی که به نتایج زودگذر دلخوش می‌شویم آینده‌ای نخواهیم داشت و رقبیان از ما جلو خواهند زد.

منطقی، ریزبین و آینده نگر و باهوش و باذکاوت و در عین حال سختگیر و جنگنده دیدیم. ویژگی‌های شخصیتی او باعث شد که ما خیلی گرد حاشیه‌و سوآلات حاشیه‌ای نچرخیم که اگر چه از همان ابتدا نیز چنین قصدی نداشتیم، اما به وضوح مشاهده کردیم از معدود سوآل شونده‌هایی است که به‌راحتی مقهور پرسشگری که می‌خواهد به جواب تمامی سوآلاتش برسد نمی‌شود.

خود را اهل علم، از خانواده بزرگ معلمان و عاشق سفر معرفی می‌کند. در همان گفت‌وگوی کوتاه بر ما معلوم شد که سرمربی فصل آینده پیکان خود اوست اما به صراحت بر این مهم تأکید نشد. نکته مهم دیگر این که در خلال این گفت‌وگو به همه تیم‌ها بیشتر از

دیند مجید در مراسم تقدیر از او در جشن سپهری پارسا

مشترکی داشته باشد و باید آسیب‌شناسی شود. در هر صورت تماشاشچی برای دیدن گل به استادبوم می‌آید. برای تماشاشچیان زیبا بازی کردن اهمیت زیادی ندارد. برای دیدن گل نه برای دیدن برد تمیش به استادیم می‌آید. درست این است که بگویم تماشاشچی به این که بازی زیبا است یا خیر کاری ندارد حتی تعداد گل‌های زده شده نیز اهمیتی ندارد، در نهایت آن‌ها خواستار پیروزی تیم خود هستند. شاید دیدگاه تماشاگر و رسانه نیز باید ترمیم شود. اغلب فکر می‌کنند قهرمان جدول از نظر کیفی نیز بهترین بوده است در حالی که واقعیت این نیست، ممکن است یک تیم در رتبه پنجم لیگ قرار بگیرد، اما از لحاظ کیفیت بهتر از سایر تیم‌ها باشد. این امر به مردم معرفی نمی‌شود، زیرا این کار نیاز به یک تیم کارشناسی و تخصصی دارد.

۹۷. آیا تیم‌ها ذائقه تماشاگر را عوض کرده‌اند یا تماشاگر با اصرار بر پیروزی، بر روند و کیفیت کار تیم تأثیر گذاشته است؟

این بحثی بسیار عمیق است. موضوع آن به دیدگاه عمومی مردم باز می‌گردد. این دیدگاه را چه کسی به مردم داده است؟ مانند فرهنگ، این که مردم فرهنگ را به جامعه می‌دهند یا جامعه آن را به مردم تزریق می‌کند دو مسئله جداگانه است. به عنوان مثال به عنوان مربی، علاقه دارم تیمم تهاجمی بازی کند، اما زمانی که تیم من مورد توجه است به‌شدت زیر فشار نتیجه قرار می‌گیرم. این فشار را چه کسی ایجاد می‌کند؟ اگر بخواهیم کیفیت فوتبال ما افزایش یابد، باید به جامعه نیز دیدگاه‌هایی جدید بدهیم. از نظر من در درجه اول رسانه‌ها باید این دیدگاه را به مردم بدهند. رسانه نباید برای عوام تولید مطلب و محتوا کند بلکه باید سطح فکر عام را نیز ارتقا بدهد. این امر می‌تواند منتهج به پیشرفت و بهتر شدن فرهنگ و دیدگاه شود. باعث می‌شود مردم نیز انتظارات بهتری از تیم‌ها داشته باشند و تیم‌ها نیز روند کار و بازی خود را ارتقا بدهند.

۹۸. در برنامه‌های فوتبالی رسانه ها، تحلیل ارائه نمی‌شود و فقط بازی تعریف می‌شود. چه دلیلی باعث این امر شده است؟

همیشه تحلیل خوب، حاصل یک تحقیق خوب است. در این جا سوآلی مطرح می‌شود که آیا در حوزه فوتبال بر روی فعالیت‌های تحقیقاتی سرمایه‌گذاری می‌شود؟ ایسن کار نیاز سه یک گروه متخصص دارد و با نبود این گروه، تحلیل‌ها سطحی است. شاید برنامه‌های تلویزیونی بودجه‌ای برای کار تحقیقی ندارند. البته این برنامه‌ها بیشتر به دنبال مخاطب عام هستند.

۹۹. در بدنه فدراسیون فوتبال نیز کارهای تحقیقاتی و آکادمیک صورت نمی‌گیرد؟

خیر، کار تحقیقی و آماری انجام نمی‌شود. باید در بدنه فدراسیون یک ستاد یا بخشی ایجاد شود تا با پایان هر

لیگ روی جنبه‌های مختلف، کارهای تحقیقاتی انجام دهد. سپس برآیند آن راه مردم، جامعه و مربیان اعلام کند و مطمئناً این حرکت باعث پیشرفت فوتبال ما خواهد شد.

۱۰۰. شما از معدود مربیان فوتبال اهل مطالعه هستید. فکر گل را قبول کردید، به نظر شما این مسئله به چه عاملی بر می‌گردد؟ تیم‌ها ما هر سال، قهرمانتر می‌شوند و تهاجمی عمل نمی‌کنند، برای این مسئله پایانی وجود دارد؟

فقر گل در فوتبال حرفه‌ای ما بحث کاملاً تخصصی است، اما می‌توانم به طور کلی سه دلیل عمده برای آن بیان کنم. دلیل اول، دیدگاه صرفاً نتیجه‌گرایی است که بر باشگاه، مدیران و جامعه حاکم است. دوم فقر علم تمرین است که در این حوزه نیاز به کار بیشتری داریم. سوم فوتبال پایه است که عمیقاً مورد بی مهری واقع شده، زمانی که یک تیم بخواهد از کم‌ترین فوتبال و گل بردس باید در سطح تکنیک‌ها به مهارت‌هایی خاص دست یابد. این مهارت‌ها به دلایل مختلف در فوتبال پایه ما ارتقا پیدا نمی‌کند.

۱۰۱. فکر گل چه بلایی به سر تیم ملی ما خواهد آورد؟

تیم ملی مانند ویتربن فوتبال یک کشور است. تیم ملی ما نیز برآیند فوتبال ما است و به لحاظ انتظاری که جامعه از آن دارد این توقعات را انجام می‌دهد. مردم نیز به خاطر نوع دیدگاهی که دارند از این بابت خوشحال هستند

۱۰۲. آیا نتیجه‌گر ا بودن باعث نمی‌شود کشورهایی که با ما طرف هستند بر روی این امر مطالعه کنند و راه برتری و نتیجه‌گیری‌های آسان را بر تیم ما ببینند؟

قطعا همین طور است. بر اساس دیدگاه فیفا و مراجع آموزشی آن، دو نوع نتیجه در فوتبال وجود دارد. اول نتایج زودگذر خوشحال‌کننده است که ما به دست می‌آوریم و با آن ششاد هستیم. به آن عنوان گلخاندای دامادند. دوم نتایج پایتاب است که زمینه‌ر ابرای آینده‌ای بزرگ ایجاد می‌کند. این نتایج چیزی است که برای رسیدن به آن باید سال‌ها در بخش‌ها و با پارامترهای مختلف برنامه‌ریزی کرد. باید در حوزه علمی‌روی‌مربیان کار کرد و آن‌ها را از تقا، د، همچنین در حوزه علم تمرین باید پیشرفت کرد. از نظر امکانات و تیم‌های پایه نیز باید به جلو حرکت کرد. به این نتیجه، ریل‌گذاری می‌گویند. زمانی که به نتایج زودگذر دلخوش می‌شویم آینده‌ای نخواهیم داشت و رقبیان از ما جلو خواهند زد.

مجید جلالی در گفت‌وگویی

فوتبالی که زیر نغمه حرفه‌ای ن



۱۰ سال پیش، یک شسب با من تماس گرفتند و به من اعلام کردند در جلسه فدراسیون برای سرمربی تیم ملی انتخاب شدم. ۳۰ دقیقه بعد با من تماس گرفتند و از من پرسیدند در کادرم چه کسانی هستند. از من خواستند فردی را در کارد مربیان خود قرار دهیم که با مقاومت و مخالفت زیاد من روبه‌رو شدند و گفتند پس در این صورت موضوع سرمربی‌گری شما منتهی خواهد شد که من بدون هیچ مشکلی آن را بپذیرفتم. یک شبه شروع و یک شبه تمام شد. فکر بعد این شرایط را بپذیرفتم و به این سمت رسیدم. هر فردی در زندگی و کار خود فلسفه‌ای دارد. اعتقاد من این است که می‌توان مقام‌را به شکل‌ها و راه‌های مختلف به دست آورد. زمانی که مقام به دست بیاید همه تلاش می‌کنند آن را از شما بگیرند و این اتفاق نیز می‌افتد، زیرا مقام برای هیچ‌کس باقی نمی‌ماند. اما منزلت را کسی به انسان نمی‌دهد و ممکن است بر اثر ۳۰ سال زندگی به دست‌آید و زمانی که به دست بیاید هیچ‌کس نمی‌تواند آن را از شما بگیرد. این یک تقابلی است بین مقام و منزلت. خود فرد است که تصمیم می‌گیرد کدام سبک را انتخاب کند. یکی مقام را می‌خواهد و برای رسیدن به آن به هزار راه و بیراهه می‌رود، دیگری منزلت را انتخاب و به سبک خود زندگی می‌کند. افرادی در فوتبال هستند که شاید مقام بالایی نداشته باشند، اما جایگاه بسیار بالایی دارند. در بزریل مربیان زیادی بودند که قهرمانی‌های زیادی را برای این کشور به همراه آورده اند، اما همه‌ا تله ساتاننا صحت می‌کنند که مقامی برای آن‌ها نیابورده است. اما آن‌ها معتقدند او جایگاه بالایی دارد و با مدل فوتبالی که آورد پایه‌هایی بناکرده است که هر سال بیش از ۱۲۰۰ لزبون دارند. به عبارتی به فوتبال خدمت کرده است. در تاریخ فوتبال نیز افرادی هستند که مقام چندانی ندارند، اما دنیا و فوتبال به آن‌ها احترام می‌گذارد. من سعی کردم همواره با فلسفه‌ای که دارم همراه باشم و این همراهی احساس خوبی به من می‌دهد.

۹۴. آیا آرامش دارید؟

بله، اما برخی اوقات این آرامش به مدت کوتاهی به هم می‌خورد، زیرا احساس می‌کنم در مسیری که رفته‌ام به کارم لطمه خورده است یا سرم را کلاذ گذاشته‌اند. اما در نهایت خوشحال هستم.

۹۵. در برخی مواقع انسان به ستوه می‌آید. چه زمانی شما به این نقطه می‌رسید؟
پس از آنکه سرمربی فدراسیون برای من پیشنهادی برای استخدام من به عنوان سرمربی فوتبال برای فصل آینده ارائه دادند. این پیشنهاد به من می‌رسد و نمی‌توانم جوابی برای آن پیدا کنم یا اگر پیدا کنم این جواب به‌شدت من را آزار می‌دهد.

۹۶. آیا قبول دارید شما نسبت به خود سخت‌گیرانه‌تر عمل می‌کنید تا آن چه نسبت به دیگران هستید؟

بله، همین طور است. مربیانی که در کنار من کار می‌کنند دقیقاً به همین موضوع معتقد هستند. انسان برای پیش‌سرفت باید ابتدا خود را تحلیل کند و منصف باشد. البته کاری بسیار سخت است، زیرا همه نسبت به خود تعصب دارند.

۹۷. شما کردن بر خلاف جهت رودخانه شما را اذیت‌ نمی‌کند؟

در برنامه‌ای این سؤال از من پرسیده شد و گفتم، من مطمئنما می‌توانستم خدمات بیشتری به فوتبال ارائه بدهم، اما این فرصت به من داده نشده است.

۹۸. آیا شما برای اضافه کردن یک نگاه تحققی به فوتبال اقدامی انجام داده اید؟

و… باشد.

۹۹. تیم سپاهان دو سال قبل قهرمان ایران شد، اما در پایان فصل قبل در رده ۱۱ و امسال در رده پنج قرار گرفت. سپاهان تیم نیست یک باشگاه بزرگ با تمامی پارامترها است همچنین ذوب آهن! این دو دغدغه مالی چندانی ندارند. چه اتفاقی افتاد که دو تیم خوب اصفهانی، دیگر برای قهرمانی نمی‌جنگند؟

دو عامل باعث این اتفاق است. در چند سال اخیر این تیم‌ها دچار بحران مدیریتی شدند. سپاهان حدود ۱۱ سال یک مدیر داشت و بیشترین افتخارات آن نیز در این دوره بود. ناگهان در مدت چهار سال حدود هفت مدیر عوض کرد. این خود باعث ایجاد چالش‌های زیادی شد. افرادی با دیدگاه‌ها و نقطه نظرات کاملاً متفاوت، مدیریت است تیم را بر عهده می‌گیرند. برخی از آن‌ها هزینه نمی‌کنند و برخی شدیداً اهل بریزوپیش هستند. دلیل دوم این است که آن‌ها به مدیران بالادستی وصل هستند که با دولت‌ها می‌آیند و با دولت‌ها می‌روند. به این شکل ممکن است مدیری بودجه را افزایش و دیگری کاهش بدهد. در این ترتیب تیم با بحران بودجه روبه‌رو می‌شود و رتبه آن در یک فصل پایین می‌آید. مدیران از سوی افکار عمومی تحت فشار قرار می‌گیرند. به همین دلیل سسال بعد مجددا بودجه را افزایش خواهند داد.

۱۰۰. با تمام این فراز و نشیب‌ها ایسن دو تیم ساختاری با ثبات و محکم دارند و از هم نمی‌پاشند. آیا این مسئله را قبول دارید؟

دلیل این است که این تیم‌ها در تشکیلات بالادستی و در مهندسی نظام تشکیلاتی دارای جایگاه هستند. مثلا ذوب آهن در نظام مهندسی مجموعه ذوب آهن بودجه سالیانه دارد و فقط ممکن است این بودجه کم یا زیاد شود. اما هیچ مسئول بالادستی قادر نخواهد بود این تیم را از بین ببرد. ولی در مورد تیم سایپا به این شکل نیست. اگر فردی مدیرعامل سایپا شود و تیم را نخواهد، می‌تواند آن را جمع کند.

۱۰۱. در تمام سال‌های مربی‌گری خود، اصولی را برای خود تعریف کرده‌اید و با وجود تمام فشارهایی که به شما وارد آمد، هیچ زمان اصول خود را فدای رسیدن در خواسته‌های خود نکرده‌اید. این اصول تا چه میزان در وجود شما نهادینه شده است؟ هیچ زمان با خود کلنجار رفته‌اید که‌ای کاش در زمان‌هایی-مختلف از اصول خود کوتاه آمده بودید؟ شما فردی خاص هستید و افرادی که با شما کار می‌کنند نیز معتقد هستند، نمی‌توان شما را از چارچوب‌های خود بیرون آورد. شما از این بابت ضربه خورده‌اید یا برده اید؟

زمان‌های زیادی را با خودم خلوت می‌کنم و سال‌های مسال است که تحولات روزانه خود را می‌نوسم و با مراجعه به آن‌ها بسیار زود گذشته خود را مرور می‌کنم و با این کار آرامش بیشتری می‌گیرم و لذت می‌برم از چیزی که گذرانده‌ام از این که توانستم‌تمام همان‌گونه باشم که هستم.

۱۰۲. در مجید جلالی امروز راضی هستید؟
بله قطعاً، البته نمی‌گویم که هرگز اشتباه نداشته‌ام.

۱۰۳. آیا فرصت بودن با تیم ملی، استقلال، پرسپولیس، سپاهان، و… برای شما پیش آمده است که آن را بر اساس اعتقادات خود رد کرده باشید؟ تمام این موارد بود، اما نرتزفتم، به عنوان مثال حدوداً